

ابعاد اسلام‌هراسی در بریتانیا پس از یازده سپتامبر

* جلال درخشه

** سیدمحمد مهدی حسینی فائق

چکیده

بر پایه شواهد و تحقیقات معتبر علمی و دانشگاهی، در مورد وجود اسلام‌هراسی در بریتانیا تردیدی وجود ندارد. براساس مطالعات انجام‌شده، ظهور و بروز اسلام‌هراسی در سه حوزه عمومی، رسانه‌ای و دولتی قابل پیگیری است. پرسش اصلی این مقاله، سنجش و ارزیابی شکل و شدت اسلام‌هراسی در هر یک از این حوزه‌هاست و ضمن بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری اسلام‌هراسی در بریتانیا کوشیده تا ابعاد آن را مشخص کند. به‌طور کلی به نظر می‌رسد در نوع برخورد و نحوه تعامل با اقلیت مسلمان بریتانیا سیاست‌های مؤثری به‌منظور مقابله با اسلام‌هراسی در هر یک از حوزه‌های یادشده وجود ندارد و در نتیجه سیاست‌های موجود، خواسته یا ناخواسته، اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان در حال گسترش است.

واژگان کلیدی

اسلام‌هراسی، بریتانیا، رسانه، افکار عمومی، دولت، یازده سپتامبر.

j.dorakhshah@yahoo.com

h.faeqh@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۰

*. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع).

** کارشناس ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی.

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۲

مقدمه

حضور روزافزون مسلمانان در کشور بریتانیا (و به‌طور کلی کشورهای اروپایی) موضوعی است که از رویکردهای مختلف، درخور تأمل و بررسی است. اقامت دائمی مسلمانان مهاجر در این کشور، حضور نسل‌های دوم و سوم مسلمانان که براساس قانون، «بریتانیایی» محسوب می‌شوند و نحوه تعامل دولت و جامعه میزبان، از جمله مباحث مطرح در مورد مسلمانان از ابتدای ورود آنان پس از جنگ جهانی دوم^۱ بوده است. اهمیت این بحث از آنجاست که مسلمانان، بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی^۲ این کشور به‌شمار می‌آیند و حضور چشمگیر آنان در بخش‌های مختلف جامعه بریتانیا دیده می‌شود. در میان مسلمانان بریتانیا، تقسیم‌بندی‌های مختلف مذهبی و قومی وجود دارد. به‌طور عمده، مسلمانان از کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش مهاجرت کرده‌اند و در میان آنها پاکستانی‌تبارها با ۹۲ درصد، در اکثریت هستند. (mameless, 2005: 6)

در مورد جمعیت مسلمانان بریتانیا، آمار دقیقی وجود ندارد و براساس آخرین آمار رسمی (در نظرسنجی سال ۲۰۰۱) جمعیت آنان ۱/۶ میلیون نفر تخمین زده شده است؛ اما با توجه به نرخ رشد بالای مسلمانان نسبت به جامعه میزبان،^۳ به نظر می‌رسد جمعیت فعلی مسلمانان به بیش از سه میلیون رسیده باشد. شواهد و قراین متعدد، از افزایش جمعیت مسلمانان در چند دهه اخیر حکایت دارد و پیش‌بینی می‌شود جمعیت مسلمانان بریتانیا در سال ۲۰۵۰ به ۲۴/۵ درصد از جمعیت کل بریتانیا برسد. (Coleman, 2006: 446)

۱. گفتنی است که مسلمانان پیش از جنگ جهانی دوم هم در بریتانیا حضور داشته‌اند، اما حضور چشمگیر و جدی آنها، پس از جنگ جهانی دوم بوده است که بیشتر آنان (به‌طور عمده از شبه قاره) به‌عنوان نیروی کار برای بازسازی خرابی‌های جنگ، به سوی این کشور گسیل شدند. (برای مطالعه بیشتر درباره تاریخچه دقیق حضور مسلمانان در بریتانیا، بنگرید به: Hellyer, 2007)

۲. مسلمانان با ۵۲ درصد، بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی در بریتانیا هستند.

۳. یکی از علل رشد بالای جمعیت مسلمانان این است که به‌طور کلی زنان مذهبی (در همه ادیان) در مقایسه با زنان غیرمذهبی، نرخ باروری بالاتری دارند و این مطلب به‌طور خاص در مورد زنان مسلمان اروپایی صحیح است. به نظر می‌رسد زنان مسلمان در مقایسه با دیگر زنان غیرمسلمان، گرایش‌های مذهبی شدیدتری دارند و از همین رو میزان باروری آنها از حد متوسط بالاتر است. حدود ۴۰ درصد از زنان مسلمان اروپایی، دو یا بیش از دو فرزند دارند. (Westoff, 2007: 785 - 809)

در این شرایط، معضلی به نام اسلام‌هراسی (به‌طور خاص در دهه اخیر) باعث بروز مشکلاتی برای جامعه مسلمانان و سخت‌تر شدن شرایط زندگی برای آنها شده است. در مورد تعریف دقیق اسلام‌هراسی اتفاق نظر وجود ندارد، اما شاخص‌هایی نظیر «عدم تساهل»، «بیگانگی‌ستیزی» (Roald, 2004: 53) و «نژادپرستی» (Johnson, 1998: 182) برای آن ذکر شده است. با هر شکل و تعریفی که به اسلام‌هراسی نگاه شود، می‌توان گفت که در نتیجه آن، نوعی ترس واهی از مسلمانان میان سیاستمداران و افراد عادی ایجاد شده، مبنی بر اینکه دنیای اسلام (به‌طور اعم) و مسلمانان مقیم کشورهای غربی (به‌طور اخص) منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی محسوب می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان، به ناشکیبایی علیه مسلمانان کشورهای غربی دامن می‌زند.

در میان کشورهای غربی، بریتانیا از آزادترین کشورهایی است که مسلمانان در آن، از آزادی نسبی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و مذهبی برخوردارند.^۱ (سادات منصوری، ۱۳۸۲: ۱۷۸) بنابراین، هدف از طرح این مباحث، نفی آزادی‌های مسلمانان در این حوزه جغرافیایی نیست؛^۲ بلکه به دنبال مقایسه وضع کنونی مسلمانان با شرایط آرمانی و مطلوبی هستیم که کشورهای غربی داعیه‌دار آن هستند. شواهد و نظرسنجی‌های معتبری که سازمان‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی انجام داده‌اند،^۳ بر وجود اسلام‌هراسی در بریتانیا دلالت دارند. براساس همین منابع، می‌توان گفت که اسلام‌هراسی در بریتانیا ادعایی مبتنی بر تئوری توطئه نیست، به‌ویژه با توجه به رشد فزاینده و آشکار آن پس از یازده سپتامبر (Marranci, 2004: 105) که توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. امروزه ابعاد اسلام‌هراسی در بخش‌های مختلف جامعه بریتانیا دیده می‌شود و وجود و گسترش آن در سه حوزه، روشن است:

الف) بخش دولتی و رسمی؛

ب) رسانه‌ها؛

ج) فضای عمومی.

۱. این مطلب در مقایسه آزادی‌های مسلمانان بریتانیا با آزادی‌های مسلمانان فرانسه یا آلمان، نمایان‌تر می‌شود.

۲. هرچند دیدگاه‌هایی در مخالفت با این نظریه وجود دارد. (گرهلم و لیتمن، ۱۳۷۸: ۳۴)

۳. برای آگاهی از برخی از این تحقیقات، بنگرید به: Allen, 2006: 52.

در بررسی زمینه‌ها و علل اسلام‌هراسی، باید توجه داشت که اسلام‌هراسی پدیده‌ای پیچیده و چندبُعدی است و با مؤلفه‌های فراوان سیاسی، فرهنگی، روان‌شناختی، اجتماعی و عقیدتی سروکار دارد که در هر حوزه جغرافیایی نیز وضعیت خاصی یافته است. در هر حال، عواملی مانند مهاجرت و پناهندگی، اقدامات افراط‌گرایان، حوادث تروریستی، جنگ علیه تروریسم، اقدامات و اظهارات گروه‌های تندرو اسلامی و غیراسلامی، بحران‌های هویتی در اروپا، سابقه تاریخی منازعات اسلام و غرب، مسائل ایدئولوژیک و ضعف و مشکلات داخلی مسلمانان، فعالیت مغرضانه برخی رسانه‌ها و سیاستمداران و مسائلی از این دست، در شکل‌گیری و گسترش اسلام‌هراسی به‌نوعی مؤثر بوده‌اند.

با توجه به مسائل یادشده، سؤال اصلی و هدف این مقاله، بررسی ابعاد و پیامدهای اسلام‌هراسی در بریتانیاست که ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری اسلام‌هراسی در این کشور، بر فضای عمومی، رسمی و رسانه‌ای تمرکز کرده و با رویکردی واقع‌بینانه، در پی دادن راهکار برای به حداقل رساندن تأثیرات منفی این معضل است.

زمینه‌های اسلام‌هراسی در بریتانیا

مهاجرت چشمگیر مسلمانان پس از جنگ جهانی دوم (Fetzer, 2005: 26) سبب تصویب «قانون ملیت بریتانیایی»^۱ در سال ۱۹۴۸ شد. براساس این قانون، (به‌منظور تسهیل ورود نیروی کار ارزان قیمت) تمام اتباع کشورهای مشترک‌المنافع می‌توانستند تابعیت بریتانیا را به‌دست آورند و از تمام حقوق شهروندی بریتانیا بهره‌مند شوند. (Adolino, 1998: 25) در ابتدا مهاجرت مسلمانان مشکلی به‌شمار نمی‌آمد؛ زیرا حضور آنان با مهاجرت‌های محدود و موقت نگران‌کننده نبود؛ اما پس از مدتی، به دلایل متعددی این مهاجران بازنگشتند. شرایط اقتصادی یا تحصیلی، بسیاری از آنان را به اقامت دائم تشویق کرد و عده‌ای هم به دلایل سیاسی، نمی‌توانستند به وطن خود بازگردند. در این میان، دولت بریتانیا نه مهاجرت‌های گسترده مسلمانان را پیش‌بینی می‌کرد و نه به اقامت دائم آنان در بریتانیا علاقه‌ای داشت.

۱. برای اطلاع از متن کامل این قانون، بنگرید به:

British Nationality Act in: <http://www.uniset.ca/naty/BNA1948.html>

در این شرایط، حضور مهاجران مسلمان مسئله‌ای چالش‌برانگیز شد و کنترل و ممانعت از ورود رنگین‌پوستان نیز مباحثات جدی را مطرح ساخت. بنابراین، با هدف ممانعت از ورود غیرسفیدپوستان، قوانین محدودکننده مهاجرت تصویب شد. تصویب قوانینی نظیر «قانون مهاجرت در کشورهای مشترک‌المنافع»^۱ در سال ۱۹۶۲ ورود مهاجران به بریتانیا را محدود کرد. فرصت هیجده‌ماهه میان تصویب قانون مهاجرت و اجباری‌شدن آن، بر جمعیت مسلمانان افزود؛ زیرا بیشتر مهاجران مسلمان، مردانی بودند که بدون خانواده‌هایشان به این کشور آمده بودند، اما پس از اِعمال محدودیت‌ها، به‌دلیل ترس از وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر، خانواده‌هایشان را از کشورهای مبدأ، نزد خود آوردند. این مسئله سبب شد جمعیت اقلیت مسلمانان، در دهه ۱۹۷۰ با سرعت بیشتری رشد کند. در این میان، دولت بریتانیا توانسته بود در پذیرش مهاجران جدید محدودیت ایجاد کند، اما نمی‌توانست حقوق اتباع مسلمان خود را که بیشتر آنها براساس قانون ۱۹۴۸، تابعیت بریتانیا را به‌دست آورده بودند، نادیده بگیرد. از این رو، نتوانست با این موج مهاجرت‌ها مخالفت کند.

به‌طور کلی، زمینه‌های اولیه وضع سیاست‌های کنترل مهاجرت‌ها در بریتانیا و مقابله با مسلمانان، برخاسته از مباحث نژادی بود و تلاش شد از مهاجرت رنگین‌پوستان آفریقا، کارائیب و شبه‌قاره هند به بریتانیا جلوگیری شود. در این مقطع، به هویت مذهبی و فرهنگی مسلمانان توجهی نشد و به آنها به‌عنوان مهاجران آسیایی تبار می‌نگریستند. البته این نوع نگاه در مقطع یادشده طبیعی به نظر می‌رسید؛ زیرا فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی مسلمانان، در حد اقامه نماز در محل کار یا خانه‌هایی که به مسجد تبدیل شده بود، انجام می‌شد و بیشتر مهاجران ترجیح می‌دادند برای دوری از پیدایش مشکلات احتمالی با دولت و جامعه بریتانیا، جنبه‌های مذهبی هویت خود را چندان برجسته نکنند. (Ramadan, 1999: 113)

این نگاه در سال‌های بعد غیرممکن شد؛ زیرا نسل جدید مسلمانان، اصالتاً یک بریتانیایی به‌شمار می‌آمدند و با نسل مهاجران اولیه تفاوت‌های اساسی داشتند. آنها برای حفظ هویت و فرهنگ اسلامی خود تلاش می‌کردند و در پی احقاق حقوق خویش به‌عنوان یک شهروند

1. Common Wealth Immigrants Act.

«مسلمان بریتانیایی» بودند. وجود این نسل از مسلمانان اصالتاً بریتانیایی و خواسته‌های هویتی و مذهبی آنان، نظیر تقاضا برای ساخت مساجد و مراکز اسلامی، جنبه مذهبی و فرهنگی مسلمانان را پررنگ کرد. همین مسئله باعث تغییر رویکرد گروه‌های ضد‌مهاجران و گروه‌های ضداسلامی و راست‌افراطی گردید^۱ و آنان بر جنبه مذهبی و هویتی مسلمانان تمرکز کردند. در همین راستا، جریان‌های نژادگرا با هوشمندی و بهره‌گیری از امتزاج مفاهیم «ملت»، «نژاد» و «مذهب»، که در قالب عنوان کلی «فرهنگ» صورت گرفت، توانستند بر دامنه انتقادات خود از اسلام و مسلمانان بیفزایند و نوعی نژادپرستی جدید را ترویج دهند.

برخی معتقدند گفتمان نژادپرستی انگلیسی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از رنگ پوست به نژاد، و از دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بعد تا دهه ۱۹۹۰، از نژاد به مذهب تغییر یافت. (Abbas, 2007: 288) مسلمانان در تمام این سال‌ها با سطوح مختلفی از تبعیض و محرومیت روبه‌رو بوده‌اند. در سال ۱۹۹۹ تحقیقی توسط مجلس نمایندگان^۲ درباره تبعیض مذهبی با عنوان «گزارش دربی»^۳ انجام شد. در این تحقیق، خاطر نشان شده بود که مسلمانان در بخش‌های آموزش، اشتغال، مسکن، قانون و تمام خدمات دولتی که به تکمیل پرسش‌نامه نیاز دارند، با تبعیض‌های فراوان روبه‌رو هستند. همچنین به دولتمردان توصیه شده بود قوانین جدیدی برای رفع تبعیض علیه مسلمانان، تصویب کنند. (Weller, Feldman, Purdam, 2001: 103)

پس از یازدهم سپتامبر، اسلام‌هراسی و دشمنی با اسلام و مسلمانان، شکل جدی‌تری به خود گرفت.^۴ پس از این حادثه، مسلمانان از سوی رسانه‌ها، افکار عمومی، پلیس و بخش‌های دولتی، در فشار قرار گرفتند. حوادث تروریستی لندن در سال ۲۰۰۵، حضور برخی از رهبران

۱. زیرا در این مقطع، مهاجرت‌های گسترده متوقف گردید و مهاجران نسل اول به تدریج به حاشیه رانده شدند. اکنون مسلمانان نسل دوم و سوم در جامعه این کشور حضور دارند که از لحاظ قانون، یک بریتانیایی محسوب می‌شوند و در مقایسه با مهاجران اولیه از توانایی، سازمان، تشکیلات و تخصص بیشتری برخوردارند.

2. Home Office.

3. Derby Report.

۴. یازدهم سپتامبر، نقطه عطف یا شروع جدی فعالیت‌های اسلام‌هراسانه و اسلام‌ستیزانه بوده است.

افراطی مسلمان، نظیر المصری^۱ و اظهارات برخی مقامات دولتی نظیر بلر،^۲ بر فشارها و گسترش اسلام‌هراسی افزود.

یک تحقیق با بررسی ۱۰۴ نظرسنجی عمومی بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۶ به این نتیجه رسیده بود که اسلام‌هراسی در تمام این سال‌ها در حال گسترش بوده و تصویری کلیشه‌ای از مسلمانان، به‌عنوان افرادی که با ارزش‌های غربی مخالفند، تمایلی به هم‌گرایی ندارند و از تروریسم حمایت می‌کنند، شکل گرفته است. یکی از معضلات مسلمانان، همین نگاه منفی به آنان است که در این میان نباید نقش جامعه و دولت بریتانیا را در شکل‌گیری این نوع نگاه که به‌طور قطع در گسترش اسلام‌هراسی مؤثر است، نادیده انگاشت. در ادامه بحث، ابعاد اسلام‌هراسی در سه حوزه اصلی فضای عمومی، بخش رسمی و دولتی و فضای رسانه‌ای، بررسی می‌شود.

اسلام‌هراسی در فضای عمومی

در ابتدای این بحث باید خاطر نشان کرد که اسلام‌هراسی در فضای عمومی، به میزان بسیار زیادی از دو عامل رسانه‌ها و بخش‌های دولتی (رسمی) متأثر است.^۳ به‌عنوان نمونه در یک

۱. ابوحمزه المصری، امام جماعت مسجدی در شمال لندن در پارک فینسبری بود که چندین مظنون به تروریسم در این مسجد رفت‌وآمد داشتند. مهم‌ترین این مظنون‌ها المصری بود. وی حتی بعد از برکناری از امامت این مسجد، باز هم اقدام به برگزاری نماز در پیاده‌روی مقابل مسجد می‌کرد که در نهایت به اتهام تحریک تروریست‌ها، دستگیر و محکوم شد.

۲. «تونی بلر»، در سخنرانی خود در کنفرانس ملی حزب کارگر در ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۵، [به عقیده خود] «عقاید بربری» (Barbaric Ideas) مسلمانان افراطی را این‌گونه برمی‌شمرد: حذف اسرائیل، حذف غربی‌ها از کشورهای اسلامی، نداشتن توجه به مردم و دولت، تأسیس دولت طالبان و برقراری احکام شریعت و احیای خلافت اسلامی برای همه ملت‌های مسلمان. برای اطلاع از متن کامل این سخنرانی، بنگرید به:

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk-news/4689363.stm>

۳. با بررسی ۱۰۴ نظرسنجی که بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ صورت گرفته بود، روشن شد که در ترویج اسلام‌هراسی نزد افکار عمومی، رسانه‌ها و بخش‌های رسمی و دولتی، نقش بسزایی دارند و میزان اثرپذیری افکار عمومی از این دو بخش، بیش از اثرگذاری آن است. (برای آگاهی از جزئیات، بنگرید به: Field, 2007: 465)

پیمایش مردم‌شناسی، این یافته حاصل شد که در نقاط مختلف جمعیتی، نگاه مثبت یا منفی به مسلمانان، به میزان چشمگیری متأثر از «اطلاعات درباره اسلام» و «تماس مستقیم با مسلمانان» است؛ هرچه ارتباط و نزدیکی با مسلمانان بیشتر باشد، میزان پیش‌داوری، تبعیض و مخالفت درباره آنان کمتر است و برعکس. (Field, 2007: 465)

محدوریت‌های چندگانه مسلمانان بریتانیا، از جمله مشکلات داخلی نظیر تعدد گروه‌های مذهبی و فرقه‌ای، اختلافات داخلی، نداشتن استقلال، وابستگی به برخی کشورها یا فرقه‌ها، مشکلات بهداشتی، معیشتی، آموزشی و اقتصادی، آنان را در تعامل با جامعه میزبان دچار مشکل ساخته است. تحلیل‌های مربوط به داده‌های سرشماری و دیگر آمارهای مربوط، نشان داده‌اند که اجتماعات مسلمانان در مقایسه با همه گروه‌های دینی کشور، بدترین وضعیت بهداشتی، بالاترین میزان ناتوانی و پایین‌ترین سطح آموزش را دارند. همچنین مسلمانان از نظر مسکن در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و بیشتر آنها در سکونت‌گاه‌هایی زیر استاندارد و بسیار شلوغ زندگی می‌کنند. (IHF, 2005: 148)

در ادامه، گزارش شده است که الگوهای مسکن همراه با سیاست‌های پذیرش در مدارس و انتخاب‌های والدین، وضعیتی پدید آورده است که دانش‌آموزان مسلمان، بیشتر در مدارس درس می‌خوانند که در عمل از دیگران جدا می‌مانند. این جدا افتادن، باعث کاهش تعامل مسلمانان و جمعیت اکثریت می‌شود و بی‌اعتمادی و سوءتفاهم را میان این دو اجتماع تقویت می‌کند. وجود نگاه منفی به مسلمانان پس از یازده سپتامبر و به‌طور خاص بمب‌گذاری‌های لندن در سال ۲۰۰۵، بر مشکلات آنها افزوده و گاه به مسلمانان^۱ به‌عنوان «ستون پنجم»^۲ یا «دشمن داخلی»^۳ نگاه می‌شود. همین مسئله و عوامل یادشده، تعامل مسلمانان را با جامعه میزبان دچار مشکل می‌کند. در این شرایط، پرسش‌های درخور تأمل و گاه چالش‌برانگیز درباره هم‌گرایی مسلمانان با

۱. گفتنی است که تنوع قومیتی و عقیدتی مسلمانان در بریتانیا، به حدی است که گاه عبارت «جوامع مسلمانان» در بریتانیا صحیح‌تر است و به نظر می‌رسد مردم بریتانیا از این تفاوت‌ها آگاهی چندانی ندارند و همه مسلمانان را یکپارچه و یکدست تلقی می‌کنند؛ البته در این میان، نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری چنین تصویری، انکارنشده است.

2. Fifth Column.

3. Enemy Within.

جامعه میزبان، سازگاری فرهنگ و ارزش‌های اسلامی با جامعه بریتانیا (Lewis, 1994: 158) و نیز ارتباط مسلمانان با تروریست‌ها و حوادث تروریستی، مطرح می‌شود که پاسخ آنها نه تنها برای جامعه بریتانیا، بلکه برای مسلمانان هم مهم است. متأسفانه دیدگاه غالب در فضای عمومی بریتانیا، بر این باور است که مسلمانان با ارزش‌های جامعه بریتانیا سازگار نیستند، به بریتانیا تعلق خاطر ندارند و از تروریست‌ها حمایت می‌کنند. در پاسخ به این دیدگاه، باید گفت، هرچند برخی از مسلمانان، شیوه زندگی بریتانیایی و ارزش‌های غربی را تهدید برای زندگی اسلامی خود می‌دانند، (Field, 2007: 466) ولی بدین معنا نیست که همه آنان در تقابل و ستیز با ارزش‌های بریتانیایی هستند. بنابراین باید میان این دو مطلب، تفکیک قائل شد.

براساس پیمایشی که «مؤسسه مطالعات سیاست‌گذاری»^۱ انجام داد، ۶۶ درصد از مسلمانان پاکستانی تبار گفته‌اند که در بسیاری جنبه‌ها، خود را یک بریتانیایی می‌دانند. (Modood, 1997) همچنین براساس نظرسنجی مؤسسه گالوپ، ۷۴ درصد مسلمانان بریتانیایی، خود را به بریتانیا وفادار می‌دانند. (www.gallup.com)^۲ بر همین اساس، به نظر می‌رسد در میان بیشتر مسلمانان بریتانیا، یک حس هویت دوگانه وجود دارد و این اظهارنظرها که مسلمانان هیچ تعلق خاطری به بریتانیا ندارند، واقع‌بینانه نیست،^۳ بلکه بیشتر برای دامن زدن به حس بیگانه جلوه‌دادن مسلمانان صورت می‌گیرد.

بحث دیگر درباره وجود اسلام‌هراسی در فضای عمومی، آشکال و پیامدهای مختلف اسلام‌هراسی است. مهم‌ترین شکل یا پیامد اسلام‌هراسی، تبعیض است^۴ که در وجوه مختلفی

1. Policy Studies Institute.

۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، بنگرید به:

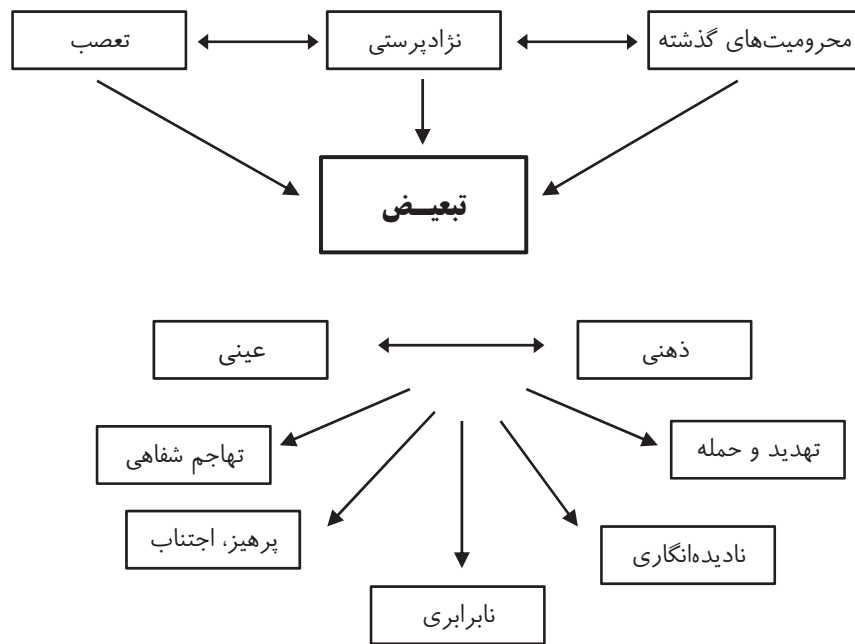
<http://www.gallup.com/poll/27325/European-Muslims-Show-Conflict-Between-Religious-National-Identities.aspx>

۳. البته طبیعی به نظر می‌رسد که به دلیل سه عامل، مسلمانان گرایش نسبتاً قوی‌تری به کشورهای مبدأ داشته باشند: اول. خاطره و تصویر نامطلوب از سیاست‌های استعماری بریتانیا در قرن گذشته؛ دوم. سیاست‌های ضداسلامی بریتانیا در عصر حاضر؛ سوم. وجود ریشه‌های اجدادی و پیوندهای مستحکم در سرزمین‌های اسلامی.

۴. دبیر کل سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی، نتیجه اسلام‌هراسی را در همه آشکالش، تبعیض و نابردباری علیه مسلمانان می‌داند. Ömür, 2009.

نمایان می‌شود. در اینجا الگویی معرفی شده است که در آن پنج شکل از تبعیض را برشمرده‌ایم:^۱

۱. نپذیرفتن (طرد) به صورت شفاهی: توهین، دشنام، تهمت.
۲. نادیده‌انگاری: دوری کردن، اجتناب.
۳. بی‌احترامی به ارزش‌ها و مقدسات: انجام دادن اقداماتی که توهین به مقدسات و ارزش‌ها تلقی می‌شود.
۴. نابرابری و محرومیت: بی‌توجهی به رفتار یکسان و بهره‌مند نبودن از امکانات.
۵. تهدید و تهاجم: آسیب‌زدن و تهدید کردن.



اسلام‌هراسی در فضای دولتی (رسمی)

درباره نقش بخش دولتی و رسمی در گسترش اسلام‌هراسی، چند حالت قابل تصور است:

۱. این الگو با ذکر مصادیق، روشن‌تر می‌شود که در این مقاله به علت محدودیت، از ذکر مصادیق خودداری شده است. برای اطلاعات بیشتر درباره حوادث ضداسلامی و اسلام‌هراسانه‌ای که در سرتاسر جهان رخ می‌دهد به سایت سازمان کنفرانس (همکاری) اسلامی و بخش OIC Islamophobia Observatory مراجعه شود.

نخست اینکه دولت در وضع و اجرای قوانین علیه مسلمانان نقش رسمی و آشکار داشته باشد؛ در حالت دوم، ممکن است اسلام‌هراسی در ساختار رسمی و قانونی نباشد، اما قوانینی وضع یا رویه‌هایی اعمال شود که در نتیجه آنها مسلمانان بیش از دیگر افراد جامعه مورد تبعیض و فشار قرار گیرند.^۱

با توجه به شواهد موجود در بریتانیا، قوانینی که مستقیم یا غیرمستقیم علیه مسلمانان باشد، وضع نشده است، اما به نظر می‌رسد قوانین و ساختارهای رسمی موجود از چند جهت در اسلام‌هراسی نقش دارند. برخی قوانین از توجه به وجهه مذهبی مسلمانان، به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی بریتانیا، غفلت ورزیده‌اند. این نکته برای مسلمانان، بسیار اساسی است؛ زیرا مذهب در زندگی شخصی و اجتماعی و هویتی آنان نقش بسیار مهمی دارد. برای نمونه، براساس تحقیقات،^۲ ۸۸ درصد از مسلمانان بریتانیا معتقدند که مذهب بخش مهمی از زندگی آنها را تشکیل می‌دهد، در حالی که این آمار برای غیرمسلمانان بریتانیایی ۳۶ درصد است. (Gallop, 2007) در این شرایط، طبیعی است که اگر قوانین به مسائل مذهبی مسلمانان بی‌توجه باشد، مشکلاتی برای آنان ایجاد شود. در ادامه بحث به ذکر مصادیقی در این زمینه می‌پردازیم.

چنان که گفته شد، پس از جنگ جهانی و ورود سیل عظیم مهاجران آسیایی به بریتانیا، به مسئله نوع نژاد و نژادهای غیرسفید توجه شد که هنوز آثار آن در بحث سرشماری و آمارگیری بریتانیا وجود دارد^۳ و توجهات نژادگرایانه از رنگ پوست به نوع نژاد تغییر یافت.^۴ دولت برای

۱. حالت نخست را می‌توان اسلام‌هراسی سازمان‌یافته (institutional islamophobia) و حالت دوم را اسلام‌هراسی ساخت‌مند (structural islamophobia) نامید.

۲. برای آگاهی از این تحقیقات، بنگرید به:

<http://www.gallup.com/poll/27325/European-Muslims-Show-Conflict-Between-Religious-National-Identities.aspx>

۳. در سایت ملی مرکز آمار بریتانیا در بحث سرشماری و جمعیت، تقسیم‌بندی بر این اساس است: نژاد سفید (بریتانیایی) و نژاد غیرسفید (آسیایی، چینی، مختلط، دیگر).

۴. با گذشت زمان (و در سال‌های اخیر) شاهد این هستیم که این نگاه نیز دچار تغییر شده و گفتمان نژادگرایی، بر مذهب و به‌ویژه اسلام و مسلمانان متمرکز گردیده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، بنگرید به: Abbas, 2007: 288 - 289.

رفع این مشکل، در سال ۱۹۷۶ قانون روابط نژادی^۱ را تصویب کرد.^۲ براساس قانون یادشده، هرگونه تبعیض بر مبنای نژاد یا قومیت ممنوع و بدین منظور کمیسیون برابری نژادی^۳ تشکیل شد تا بر اجرای صحیح این قانون نظارت کند.

این قانون، به تبعیض براساس «مذهب» توجه نکرده بود^۴ و به همین دلیل، مسلمانان نمی‌توانستند از تبعیض‌های مذهبی شکایت کنند، اما اگر شکایت آنان در قالب تبعیض نژادی (مثلاً به‌عنوان یک آسیایی) مطرح می‌شد، قابل پیگیری بود. برای حل این مسئله، در سال ۲۰۰۰ «لرد احمد»^۵ لایحه‌ای برای الحاق به قانون روابط نژادی پیشنهاد داد که براساس آن، از تبعیض‌های مذهبی جلوگیری شود، اما دولت حزب کارگر با الحاق این لایحه مخالفت کرد؛ با این توجیه که در قانون حقوق بشر ۱۹۹۸،^۶ از مسلمانان حمایت کافی شده است. (Fetzer, 2005: 32)

با وقوع حوادث تروریستی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵، دولت بریتانیا مانند سایر کشورهای اروپایی واکنش نشان داد. این اقدام دولت با طرح قوانین تروریسم در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ همراه شد. پس از تصویب قانون مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۰۱ و حوادث تروریستی یازده سپتامبر، مسلمانان از سوی دولت بریتانیا، نیروهای پلیس و سایر نهادهای دولتی، در معرض فشارهای بی‌سابقه‌ای قرار گرفتند.

دولت بریتانیا برای اجرایی کردن قانون مبارزه با تروریسم، باید به نوعی ماده ۵^۷

1. Race Relations Act.

۲. برای دیدن متن کامل قانون بنگرید به: www.legislation.gov.uk/ukpga/1976/74/contents

3. Commission for Racial Equality.

۴. درحالی‌که در مورد ایرلند شمالی، براساس قانون Northern Ireland Act 1998 هرگونه تبعیض در زمینه‌های مذهبی و سیاسی ممنوع شده است و به نظر می‌رسد قانون، تنها در مورد ایرلند شمالی توانسته است از تبعیض مذهبی جلوگیری کند.

۵. اولین نماینده مسلمانان در مجلس لردها.

6. Human Rights Act 1998.

۷. ماده ۵، منع بازداشت شخصی جز با دلایل قانونی و توسط مقامات ذیصلاح، اعلام علت بازداشت و تحویل سریع به مقامات قضایی، حق اعتراض به بازداشت غیرقانونی به دادگاه، حق مطالبه خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت را به رسمیت می‌شناسد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ را نادیده می‌گرفت دلیل دولت برای انجام این کار، این بود که در شرایط جنگ و اضطراری قرار دارد و در این وضعیت، امنیت اجتماعی و زندگی اتباع آن به خطر افتاده است. بنابراین، برای خروج از ماده ۵، به ماده ۱۵^۲ متوسل شد. (Abbas, 2007: 293) شاید یکی از دلایل این اقدام دولت بریتانیا^۳ و واکنش‌های سخت‌گیرانه پس از آن، این بود که بریتانیا در اخبار رسانه‌ها، بهشت تروریست‌ها نامیده می‌شد.^۴ پس از حوادث تروریستی لندن، قانون جدید مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید^۵ که در آن، فشارها علیه مسلمانان افزایش یافت. با تصویب و اجرایی شدن این قوانین، نوعی فضای بی‌اعتمادی میان مسلمانان و پلیس و دستگاه‌های امنیتی به وجود آمد. به‌عنوان نمونه، براساس پیمایشی که در بریتانیا انجام شد، ۶۴ درصد از مسلمانان بر این باور بودند که قوانین ضدتروریستی، غیرمنصفانه علیه آنان استفاده می‌شود و تحت تأثیر این قوانین، آنها به «مظنونین جمعی» تبدیل شده‌اند. (IHF, 2005: 146)^۶

بعد از تصویب قانون ضدتروریسم و افزایش قدرت دولت در دستگیری افراد بدون دلیل و مدرک قانونی و صرفاً با اتهام مظنون بودن به تروریسم، ترس و وحشت در میان اقلیت مسلمان افزایش یافت. ایست و بازرسی‌های روزانه که عموماً مسلمانان بازرسی می‌شدند با اظهارات ناسنجیده برخی مقامات دولتی تشدید شد. به‌عنوان نمونه، «هیزل بلیرز»^۷ گفته بود

1. European Convention on Human Rights, Article 5.

۲. ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق بشر اروپا، حق انصراف یا در واقع خودداری از اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون است که دولت‌های عضو در زمان بروز جنگ یا وضعیت اضطراری که حیات ملت را تهدید می‌کند، می‌توانند از آن استفاده کنند.

۳. تصویب قانون ضدتروریسم و جنایت، دو ماه پس از یازده سپتامبر.

۴. برای نمونه، بنگرید به:

<http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists>

۵. اطلاعات کامل در مورد این قانون، در این منبع در دسترس است:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism-Act-2006>

۶. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، به متن کامل گزارش مراجعه کنید:

Report by the International Helsinki Federation for Human Rights(IHF), 2005, *Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU, Developments since September 11.*

۷. وزیر کشور سال ۲۰۰۵.

مسلمانان باید این واقعیت را بپذیرند که ایست و بازرسی‌های پلیس در مورد آنان بیش از بقیه افراد اجتماع اعمال شود.^۱ در همین زمینه، دنیس مک‌شین^۲، وزیر امور اروپا، از مسلمانان خواسته است بین شیوه بریتانیایی و شیوه تروریستی، یکی را انتخاب کنند.^۳ افزون بر اینها، احساس رو به گسترشی در میان مسلمانان وجود دارد که پلیس، آنها را فقط به سبب مسلمان بودن، توقیف و بازرسی می‌کند و حتی در برخی موارد با گزارش به پلیس مشکلات آنان افزایش هم یافته است. (Ameli & Merali, 2004: 33)

به عنوان نمونه، در تحقیقی که دانشگاه اکستر انجام داد، بیشتر مسلمانانی که مورد تبعیض نژادی قرار گرفته بودند، به پلیس گزارش نداده بودند؛ چراکه به پلیس اطمینان نداشتند یا معتقد بودند پلیس نمی‌تواند کاری برای آنها انجام دهد.^۴ نکته تأمل برانگیز این است که براساس همین تحقیقات، مشخص گردیده که جرایم نفرت نژادی علیه مسلمانان، جزو اولویت‌های پلیس در بررسی جرایم نژادی نیست. (Githens-Mazer & Lambert 2010: 11)

سیاست‌های کنونی ممکن است واکنش‌هایی را برانگیزد^۵ و مسلمانان معتدل را به دامن گروه‌های افراطی بیندازد؛ گروه‌هایی که می‌کوشند از احساس محرومیت موجود در اجتماع مسلمانان، بهره‌برداری کنند. (Bennetto, 2004)

از مسائل دیگری که مسلمانان به واسطه نقش دولت و نهادهای رسمی، با آن روبه‌رو

۱. به نقل از:

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-339768/Minister-Muslims-accept-stop-search-tactic.html>

۲. اطلاعات بیشتر درباره «مک‌شین» در سایت رسمی وی موجود است:

<http://www.denismacshane.com/>

3. <http://www.guardian.co.uk/world/2003/nov/21/september11.usa>

۴. مسئله گزارش ندادن مسلمانان به مقامات دولتی، یکی از معضلات مهمی است که جامعه مسلمانان با آن روبه‌رو هستند و همین امر، ارزیابی صحیح وسعت و شدت جریان اسلام‌هراسی در نهادهای دولتی را مشکل می‌سازد.

۵. به عنوان نمونه می‌توان به اظهارات لرد هافمن (Lord Hoffman) اشاره کرد که در مورد قوانین ضد تروریستی می‌گوید: «تهدید واقعی برای زندگی ملت ما، از سوی تروریسم و تروریست‌ها نیست، بلکه قوانینی از این دست که با باورهای مردم، قوانین سنتی و ارزش‌های سیاسی سازگار نیستند، تهدید جدی محسوب می‌شوند».

هستند، فعالیت گروه‌های ضداسلامی است که بعضی از آنها با شعار مبارزه با اسلام فعالیت می‌کنند و قانون بریتانیا مانع فعالیت آنها نمی‌شود. یکی از این احزاب، حزب ملی بریتانیاست^۱ که در دهه اخیر، فعالیت‌های خود را افزایش داده و با استفاده از ناآگاهی افکار عمومی و به‌مدد اقدامات افراط‌گرایان مسلمان، توانسته است موقعیت نسبتاً مناسبی کسب کند. پس از رهبری «گریفین»^۲، گفتمان این حزب از مبارزه و مخالفت با اقلیت‌های نژادی، به‌سمت مبارزه و مخالفت با اقلیت‌های مذهبی تغییر کرده است. رهبر این حزب در یکی از مصاحبه‌های خود عنوان می‌کند که «مشکل ما آسیایی‌ها نیستند، مشکل ما مسلمانان هستند» (Fetzer, 2005: 29) وی در اظهارات خود، آشکارا دین اسلام را دینی شرور و نابکار خطاب می‌کند. (Ameli, 2007: 91)

در کتابچه‌ای که این حزب منتشر کرد، دین اسلام^۳ مترداف با نابردباری^۴، کشتار^۵، غارتگری^۶، سوزاننده^۷ و آزاردهنده^۸ زنان^۹ معرفی شده بود. این کتابچه‌ها در اواخر سال ۲۰۰۱ و تا اواسط ۲۰۰۲ در سرتاسر بریتانیا به‌طور وسیعی توزیع شد.^۹ (Allen, 2006: 81)

مسائل یادشده، تنها بخشی از معضلات مسلمانان و نقش دولتی و رسمی در گسترش اسلام‌هراسی بود که به‌اجمال ذکر شد و بیان جزئیات و مصادیق بیشتر در این مجال نمی‌گنجد. در ادامه بحث، به یکی از فضاهایی می‌پردازیم که در شکل‌گیری و گسترش

۱. این حزب، آشکارا علیه مسلمانان فعالیت می‌کند و دولت، در مقابل اقدامات آن و اظهارات رهبران آن، ممانعتی به عمل نمی‌آورد. به عبارتی، در اینجا نیز نوعی تبعیض از سوی دولت مشاهده می‌شود؛ زیرا دولت در مقابله با سازمان‌ها و گروه‌های تندروی اسلامی به‌شدت عمل می‌کند، اما در مقابل این حزب تندرو سکوت کرده است.

2. Griffin.

3. Islam.

4. Intolerance.

5. Slaughter.

6. Looting.

7. Arson.

8. Molestation of women.

۹. این مجموعه در سایت این حزب، قابل دانلود بود، اما پس از اکتبر ۲۰۰۲ بنا به گزارش House of Committee on Religious Offences Lords Select از روی سایت برداشته شد.

اسلام‌هراسی، نقشی انکارنشدنی دارد و به نظر می‌رسد نوعی هم‌افزایی و هماهنگی خواسته یا ناخواسته میان فعالیت‌های این بخش‌ها (بخش رسانه‌ای و بخش دولتی) وجود دارد.

اسلام‌هراسی در فضای رسانه‌ای

رسانه‌ها عموماً یکی از منابع موثق کسب اطلاعات به‌شمار می‌آیند. آنها به‌دلیل جایگاه محوری خود در افکار عمومی، این توانایی را دارند که به طرح و تعریف مباحث مورد نظر خود بپردازند. از جمله مسائلی که در چند دهه اخیر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مورد توجه رسانه‌های جهانی و به‌صورت خاص رسانه‌های غربی قرار گرفته، بحث اسلام‌هراسی و القای ترس و وحشت از اسلام در جهان امروز است؛ موضوعی که پس از یازده سپتامبر، گفتمان غالب رسانه‌ای شده است.

یکی از مسائل مطرح در بحث اسلام‌هراسی در رسانه‌ها، تسلط گروه‌ها و جریان‌هایی خاص بر رسانه‌هاست که می‌کوشند پیام‌های مورد نظر خود را در جهت افزایش قدرت و اعمال نفوذ بیشتر به مخاطبان انتقال دهند و از همه توان خود در جهت شکل‌دهی به افکار عمومی استفاده می‌کنند. به نظر نمی‌رسد این ادعاها براساس تئوری توطئه بنا شده باشد؛ زیرا سیطره برخی جریان‌های سیاسی و اقتصادی در قالب کمپانی‌های فیلم‌سازی یا خبری آشکار شده است و از سوی دیگر، برخی تئوری‌های غربی^۱ بر امکان این مسئله اذعان دارند.

امروزه رسانه‌های بریتانیایی در بحث اسلام‌هراسی و ضدیت با اسلام و مسلمانان، از مفاهیم قدیمی و عامیانه نژادپرستی (رنگ پوست، نوع نژاد، نژاد برتر، نژاد پست و ...) و اختلافات آشکار مذهبی، صحبت نمی‌کنند و در مقابل، با ابزارهای دیگری پیام خود را به‌شکل باورپذیر و قابل توجیه به مخاطب عرضه می‌کنند. به‌عنوان مثال، امروزه در رسانه‌های غربی و به همین نحو در رسانه‌های بریتانیایی، بر تمایزها و تفاوت‌های مسلمانان با جامعه میزبان تأکید می‌شود. بدین صورت که رسانه‌ها پس از بیان تفاوت‌های مسلمانان با

۱. در این زمینه می‌توان به نظریه‌های مارکسیستی و نظریه‌های انتقادی اشاره کرد.

جامعه بریتانیا، در گام بعدی، فرهنگ و ارزش‌های غربی را یک نمونه ایدئال و برتر معرفی می‌کنند. پیامد ضمنی چنین گفتمانی، بیگانه‌انگاری و مخالفت با دیگر فرهنگ‌ها و ارزش‌هاست. نگرانی در مورد رسانه‌ها وقتی شدت می‌یابد که برای اکثریت مردم، تنها منبع کسب اطلاعات و اخبار - به‌ویژه آنهایی که با مسلمانان در ارتباط نیستند - این‌گونه رسانه‌ها باشند. (Yougov, 2002)

بر اساس تحقیقات الیزابت پول در دایرةالمعارف مطالعات قومی و نژادی، رسانه‌ها در ایجاد فضای ضداسلامی و اسلام‌هراسی، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. وی با مطالعه و بررسی مقالات روزنامه‌های انگلیسی بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴، به این نتیجه رسیده است که رسانه‌ها بیشتر در پی نمایش تصویری منفی از مسلمانان هستند. در نتیجه این تصاویر، مسلمانان تهدید و دشمنی برای ارزش‌های غربی محسوب می‌شوند. (Whitaker, 2003: 217)

برخی از رسانه‌های بریتانیایی با بهره‌گیری از طرح مسائل تاریخی^۱ (تقابل تاریخی اسلام و غرب، جنگ‌های صلیبی)، مسائل مربوط به منازعه، خشونت و تروریسم^۲ (بحث جنگ عراق و افغانستان، حوادث تروریستی یازده سپتامبر و هفتم ژولای، مسئله سلمان رشدی (Lewis, 1994: 150)، ناآرامی‌های شمال (Pauly, 2004: 95) و درگیری‌هایی که همیشه بخشی از طرف درگیر، مسلمانان هستند)، تأکید بر تمایزهای فرهنگی و مذهبی، طرح سؤال و ایجاد تردید در حس وفاداری مسلمانان به بریتانیا و طرح مباحث مربوط به پناهندگان و مهاجرت، تلاش می‌کنند به‌نوعی اسلام و مسلمانان را تهدیدی برای جامعه بریتانیا معرفی کنند. در هنگام بررسی رسانه‌های بریتانیایی، یازده سپتامبر یک نقطه عطف به‌شمار می‌آید و توجه رسانه‌ها از این تاریخ به بعد، به‌صورت بسیار جدی به‌سمت مسلمانان معطوف شده است. به‌عنوان مثال، در یک بازه زمانی کوتاه،^۳ رشد ۲۵۰ درصدی مقالات مربوط به مسلمانان را شاهد هستیم. (Whitaker, 2002: 53)

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، بنگرید به: ورتووک، ۱۳۸۰: ۴۴.

۲. به گفته سعید، اخباری که از اسلام در غرب مطرح می‌شود، به‌نحو حیرت‌انگیزی به‌صورت مسئله و یا زخم (اجتماعی) مطرح می‌شود. (سعید، ۱۳۷۷: ۵)

۳. اول ژانویه تا نهم سپتامبر ۲۰۰۱ و بیستم ژوئن ۲۰۰۱ تا نوزدهم ژوئن ۲۰۰۲.

دانشگاه کاردیف^۱ درباره بازنمایی تصویر مسلمانان بریتانیا در رسانه‌های چاپی این کشور در سال‌های ۲۰۰ تا ۲۰۰۸ تحقیقی انجام داده است که براساس شواهد این بررسی، پوشش اخبار مربوط به مسلمانان در این سال‌ها افزایش چشمگیری یافته است. روند افزایشی از سال ۲۰۰۰ به بعد آغاز می‌شود، در سال ۲۰۰۶ به اوج خود می‌رسد و در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در همین حد اوج باقی می‌ماند. (Moore et al, 2008: 9) افزایش اخبار مربوط به مسلمانان، چند دلیل دارد:

دلیل اول: در این بازه زمانی شاهد روزافزون حوادث تروریستی هستیم که ارتباط افراط‌گرایان مسلمان با این حوادث تروریستی، به افزایش مطالب مرتبط با مسلمانان انجامیده است.

دلیل دوم: این اخبار اصالتاً دارای ارزش خبری هستند و خواسته یا ناخواسته در مورد مسلمانان صحبت به میان می‌آید.

دلیل سوم: به نظر می‌رسد گروه‌هایی^۲ به صورت هدفمند و ازپیش تعیین شده، با پشتوانه ایدئولوژیک برخورد تمدن‌های هانتینگتون، برای گسترش اسلام‌هراسی به صورت سازمان یافته می‌کوشند.^۳

عموم مقالات و مطالب نشریات بریتانیایی که درباره مسلمانان است، حول محور دو موضوع تمرکز یافته‌اند:

الف) تروریسم و جنگ علیه تروریسم؛

ب) تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی با جامعه بریتانیا و سایر ادیان؛

نکته اینجاست که با گذشت زمان، شاهد تغییر لحن آشکار و هوشمندانه‌ای در رسانه‌ها هستیم؛ بدین صورت که در ظرف زمانی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ که حملات تروریستی و پس از آن، جنگ در عراق و افغانستان به بهانه مبارزه با تروریسم رخ می‌دهد، تمرکز رسانه‌ها بر موضوع حوادث تروریستی و تروریسم است. حدود ۳۶ درصد از مقالات و مطالب نیز،

1. Cardiff.

۲. مانند صهیونیست‌ها، نژادپرستان.

۳. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: Marranci, 2004:197.

مرتبط با دادگاه‌های محاکمه تروریست‌ها و اخبار مبارزه با ترور در عراق، افغانستان^۱ و ... است. اما با گذشت چند سال از جنگ افغانستان و عراق و آشکارشدن برخی زوایای پنهان این جنگ‌ها، شاهد تغییر لحن آشکار رسانه‌ها هستیم؛ موج جدید اسلام‌هراسی با تمرکز بر تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی میان اسلام و جامعه بریتانیا (و به‌طور کلی غرب) شکل می‌گیرد. طرح مباحثی مانند قوانین شریعت، حجاب، نوع لباس و پوشش، حقوق زن، کاریکاتورهای اهانت‌آمیز و ... پیش از سال ۲۰۰۵، ۲۲ درصد از مقالات و موضوعات را در بر می‌گرفت، اما در سال ۲۰۰۸ برای اولین بار این بخش با افزایش نسبی به ۳۲ درصد و آمار بخش اول با کاهش نسبی، به ۲۷ درصد می‌رسد. نکته تأمل‌برانگیز در این بررسی، کاهش هر ساله پوشش اخبار مرتبط با مشکلات مسلمانان است. (Ibid: 11)

همواره تعدادی موضوع، کلیدواژه و چشم‌انداز در موضوعات مرتبط با اسلام است که فراوان تکرار می‌شوند. حال فرض کنید برای مخاطب، چندین سال پیاپی، عموماً در خبرهای سرتیتر، اخباری از جنگ و درگیری گزارش شود که در آن، مسلمانان افراطی و ستیزه‌جو، همواره متهم و مقصر اصلی هستند. در این فضا شاید هر مخاطبی تحت تأثیر قرار گیرد. همه مطالبی که در مورد تبعیض و فشار علیه مسلمانان در جامعه بریتانیا بیان شد، به‌نوعی با حمایت^۲ برخی رسانه‌ها انجام می‌شود. گاهی رسانه‌ها با تمرکز بر یک موضوع نظیر مسئله حجاب در مدارس یا فضاهای عمومی، مباحثات علیه مسلمانان را شکل می‌دهند و گاهی نیز، پوشش گسترده رسانه‌ها درباره برخی وقایع، یک موج ضداسلامی در جامعه پدید آورده است. در هر حال، برخی رسانه‌ها - به‌ویژه رسانه‌هایی که وابستگی آنها به صهیونیست‌ها ثابت شده است^۳ - در ایجاد و گسترش اسلام‌هراسی، نقش انکارنشده دارند.

در تحقیقات ثابت شده است که مسلمانان، یکی از مؤلفه‌ها و علت اصلی تبعیض اجتماعی

۱. بیشتر به‌جای تمرکز بر حادثه‌ای خاص در مورد تروریسم صحبت شده است. (استفاده از تکنیک کلی‌بافی)
 ۲. منظور از «حمایت»، این معنا نیست که رسانه‌ها و دیگر بخش‌های جامعه به‌صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده این اقدامات را انجام می‌داده‌اند، بلکه منظور این است که هم‌زمانی و هم‌سویی این جریانات، به‌حدی بوده که تصور یک نوع هماهنگی در ذهن متبادر می‌شود.
 ۳. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به:

Sparks, 2002. in: www.sweetliberty.org/issues/shadow/jewishmedia_uk.shtml

و سوء تفاهم میان خودشان و دیگران را، رسانه‌ها می‌دانند (Ameli, 2007) و همواره، حذف اسلام‌هراسی و شیطان‌نمایی مسلمانان را خواستارند. مسلمانان به علت تصاویر منفی و جانب‌دارانه‌ای که رسانه‌ها منتشر می‌کنند، تمایلی به آنها نشان نمی‌دهند.^۱ (Ibid: 67) از سوی دیگر، به علت مسائل داخلی خود (نظیر اختلافات فرهنگی، مذهبی و تنوع قومی) و نیز نداشتن منابع مالی و پشتوانه رسانه‌ای نیرومند، مشارکت فعالی در امور مربوط به رسانه ندارند. همین امر، به خودی خود، در گسترش موج منفی علیه آنان و اسلام‌هراسی، اثرگذار است.

نتیجه

براساس آنچه گفته شد، اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان در جامعه بریتانیا به وضوح دیده می‌شود^۲ و وجود نوعی هماهنگی (خواسته یا ناخواسته) میان بخش‌های دولتی و رسانه‌ای که تأثیرات آن به روشنی در فضای عمومی جامعه قابل مشاهده است، نگرانی‌های بسیاری در این باره ایجاد کرده است. با در نظر گرفتن نتایج تحقیقات و نظرسنجی‌هایی که همگی در مراکز معتبر انجام شده‌اند، وجود تبعیض علیه مسلمانان در بریتانیا مسئله‌ای انکارناپذیر است. در مجموع، چند جریان موازی (به‌طور عمده با محوریت سه مرکز: رسانه، دولت و افکار عمومی که به تفصیل به آنها پرداخته شد) که جامعه مسلمانان بریتانیا را تهدید می‌کنند و باعث گسترش اسلام‌هراسی هستند، در اینجا به‌طور خلاصه ذکر می‌شوند:

۱. تصویب قوانینی که در مرحله اجرا باعث تبعیض علیه مسلمانان می‌شوند؛
۲. با اقدامات گروه‌های نژادپرست و احزاب راست‌افراطی، به‌طور جدی و قانونی مقابله نمی‌شود؛

۳. رسانه‌ها بر جنبه‌های منفی مسلمانان تمرکز دارند و اخبار آنها در مورد اسلام و مسلمانان عموماً با جانب‌داری و تعصب همراه است؛

۱. در تحقیقی که کمیسیون حقوق بشر اسلامی (Islamic Human Rights Commission) در سال ۲۰۰۷ انجام داده بود، به عقیده ۶۲.۴ درصد پاسخ‌دهندگان، بازنمایی مسلمانان در رسانه‌های بریتانیا در راستای تقویت و ترویج اسلام‌هراسی ارزیابی شده بود و فقط ۹ درصد معتقد بودند که رسانه‌ها منصفانه عمل می‌کنند.

۲. با وجود تلاش رسانه‌ها و برخی جریانات که در جهت مشروعیت‌بخشی به آن فعالیت می‌کنند.

۴. اختلافات مذهبی و قومی در میان گروه‌های اسلامی و نبود وحدت میان آنها؛
۵. وابستگی سازمان‌ها و مؤسسات اسلامی به برخی جریان‌ها، افراد یا کشورها، آنها را به ابزار دست تبدیل می‌کند و امکان حرکت مستقل را از آنان می‌گیرد؛
۶. احیا و گسترش ایده‌هایی نظیر برخورد تمدن‌ها و تأکید بر اختلاف آشتی‌ناپذیر اسلام و غرب؛
۷. ترویج افکار سکولار در میان جامعه اسلامی و ایجاد مشکلات هویتی در میان جوانان مسلمان؛
۸. نفوذ افکار بنیادگرایان افراطی و جذب جوانان در این گروه‌ها.

مسائلی که برشمردیم، سبب شده است وضعیت مسلمانان در بریتانیا، وضعیت مطلوبی نباشد. البته ذکر این نکته هم ضروری است که وضعیت مسلمانان در بریتانیا در مقایسه با کشورهای نظیر آلمان و فرانسه بهتر است،^۱ اما با در نظر گرفتن شعارهای مسئولان این کشور و تأکید بر بحث چندفرهنگ‌گرایی، (با توجه به شرایط موجود)، تا تحقق واقعی این شعارها، فاصله زیادی وجود دارد.

برای بهبود وضعیت موجود، به تلاش همه‌جانبه مسلمانان نیاز است. مسلمانان بریتانیا در گام نخست باید در جهت وحدت و به حداقل رساندن اختلافات داخلی حرکت کنند که در این مسیر، کمک‌های سازمان‌های اسلامی نظیر سازمان همکاری (کنفرانس) اسلامی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. تا زمانی که مسلمانان متحد نشوند، بعید است جامعه بریتانیا برای حل مشکلات آنان اقدام کند. از این‌رو، در راه مقابله با اسلام‌هراسی و تبعیض، نخست مسلمانان باید متحد شوند و رویه واحدی در پیش گیرند و پس از حل مشکلات، به تدریج خواسته‌های خود را از جامعه بریتانیا اعلام کنند. در این شرایط، بدیهی است که جامعه و دولت بریتانیا ملزم خواهند بود به درخواست‌ها و نیازهای بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی خود توجه جدی کنند. حضور شخصیت‌های برجسته مسلمان در بخش‌های رسانه‌ای و دولتی بریتانیا (نظیر شوراها، شهرداری‌ها و پارلمان) و اتحاد جمعی سازمان‌ها و نهادهای اسلامی، به پیشبرد اهداف مسلمانان کمک شایانی خواهد کرد.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، بنگرید به: Bleich, 2009.

منابع و مأخذ

۱. سادات منصوری، محمد، ۱۳۸۲، *سیمای اسلام در اروپا*، تهران، انتشارات باز.
۲. سعید، ادوارد، ۱۳۷۷، *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. گرهم، توماس و جرج لیتمن، ۱۳۷۸، *حضور نوین اسلام در اروپای غربی*، ترجمه محمد قالیباف خراسانی، تهران، الهدی.
۴. ورتووک، استیون و سری پیچ، ۱۳۸۰، *اسلام در اروپا*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، انتشارات باز.
5. Abbas, Tahir, 2007, "Muslim Minorities in Britain: Integration, Multiculturalism and Radicalism in the Post-7/7 Period", *Journal of Intercultural Studies*, Vol. 28, No. 3, August 2007.
6. Adolino, R.Jessica, 1998, *Ethnic Minority, Electoral Politics and Political Integration in Britain*, London, Printer.Ahmed, A. F(1992) *Post Modernism and Islam: Predicament and Promise*, New York, Routledge.
7. Allen, Chris, 2006, "Securization and Religious Divides in Europe", *GSRL-Paris and Harvard University*.
8. Ameli, Saied. R, Merali, Arzu, 2004, *Dual Citizenship: British, Islamic or Both? Obligation, Recognition, Respect and Belonging*, Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-26-6.
9. _____, 2007, *The British Media and Muslim Representation: The Ideology of Demonization*, England: Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-31-7.
10. Bennetto, Jason, 2004, "Crackdown by Police is Driving Muslims to Extremists", *The Independent*, February 2, 2004.
11. Bleich, Erick, 2009, "Where do Muslims stand on ethno-racial hierarchies in Britain and France? Evidence from public opinion surveys, 1988-2008", *Patterns of Prejudice*, Vol. 43, Nos 3-/4, 2009.
12. Coleman, David, 2006, "Immigration and Ethnic Change in Low-Fertility Countries: A Third Demographic Transition, Population and Transition", *Population and Development Review*, September 32 (3).
13. Conflict-Between-Religious-National-Identities.aspx

14. Crewe, Ivor, 2002, "A new political hegemony?" In Alan King, 2001, *Britain at the polls*, New York, Chatham House.
15. Fetzer S.Joel and Soper, J. Christopher, 2005, *Muslims and the State in Britain, France, and Germany*, Cambridge University Press.
16. Field, D. Clive, 2007, " Islamophobia in Contemporary Britain: The Evidence of the Opinion Polls,1988-2006", *Islam and Christian-Muslim Relations*, Vol. 18, No. 4, October 2007.
17. Geddes, Andrew, 2002, *Labour's second landslide: the British general election 2001*, Manchester University Press, ISBN 0719062667.
18. Githens-Mazer, Jonathan, Lambert, Robert, 2010, *Islamophobia and Anti-Muslim Hate Crime: a London Case Study*, University of Exeter, European Muslim Research Centre.
19. Hellyer, A.Hisham, 2007, "British Muslims: Past, Present and Future", *The Muslim World*, Apr 2007, 97, 2, ProQuest Religion.
20. Johnson, M. R. D. Soydan, H.Williams, 1998, *Social Work and Minorities: European Perspectives*, London, New York, Routledge.
21. Kerry moore, paul mason and Justin lewis, 2008, *Image of Islam in the UK, the Representation of British Muslims in the national Print News media 2000-2008*, Cardiff School of Journalism, Media and Cultural Studies.
22. Lewis, Bernard, 1994, *The Shaping of The Modern Middle East*, New York, Press.
23. Marranci,Gabriele, 2004, "Multiculturalism, Islam and the Clash of Civilizations Theory: Rethinking Islamophobia", *Culture and Religion*, Vol. 5, No. 1, 2004.
24. Modood, Tariq, 1997, *Ethnic Minorities In Britain*, London: PSI.
25. Nameless, 2005, "Focus on ethnicity and identity", *Office for National Statistics*, March 2005.
26. Omur, orhun, 2009, *combating intolerance and discrimination against muslims*, COJEP international seminar on intercultural dialogue against islamophobia, 23 january 2009, Strasbourg.
27. Pauly, J.Robert, 2004, *Islam in Europe: Integration or Marginalization?*, Ashgate Publishing.
28. Ramadan, Tariq, 1999, *Muslims in France: The Way Towards*

Coexistence, Leicester, UK: Islamic Foundation.

29. Report by the International Helsinki Federation for Human Rights(IHF), 2005, Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU, Developments since September 11.
30. Roald, Anne Sofie, 2004, *New Muslims in the European context-The Experience of Scandinavian Converts*, Leiden: Brill.
31. Sparks, Thomas, 2002, Jewish Control of the British Media. in:
32. Tibi, Bassam, 2001, *Islam Between Culture and Politics*, Palgrave.
33. Weller. P, Feldman. A, Purdam, K, 2001, "Muslims and Religious Discrimination in England and Wales", In: Jamal Malik, *Muslims in Europe: From the Margin to the Centre*, Munster: LIT.
34. Westoff, C. F. Frejka.T, 2007, "Religiousness and fertility among European Muslims", *Population and Development Review*, 33 (4)
35. Whitaker, B, 2002, "Islam and the British Press After September 11".(<http://www.al-bab.com/media/articles/bw020620.htm>)
36. Yougov, 2002, "Attitudes towards British Muslims", *Islam Awareness Week*.4 November 2002.
37. _____, 2003, *Encyclopedia of Race and Ethnic studies*, Routledge.

منابع اینترنتی

1. <http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism-Act-2006>
2. <http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk-news/4689363.stm>
3. <http://www.dailymail.co.uk/news/article-339768/Minister-Muslims-accept-stop-search-tactic.html>
4. <http://www.denismacshane.com>
5. <http://www.gallup.com/poll/27325/European-Muslims-Show->
6. <http://www.guardian.co.uk/world/2003/nov/21/september11.usa>
7. <http://www.informaworld.com/smpp/title~content=t713424660>
8. <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1976/74/contents>
9. <http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists>
10. http://www.sweetliberty.org/issues/shadow/jewishmedia_uk.shtml
11. <http://www.uniset.ca/naty/BNA1948.htm>